



آشنایی با دایرةالمعارف آستان قدس رضوی

اصغر ارشاد سرابی

محمد سوهانیان حقیقی

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه دایرةالمعارف

هدف از تدوین این دایرةالمعارف تحقیق، بررسی، شناسایی و شناساندن کلیه مواردی است که به نوعی با حضرت رضا(ع)، حرم مطهر و آستان قدس رضوی پیوند می‌یابد.

گروه دایرةالمعارف در هفت زمینه: «القاب، مناصب و موضوعات»، رجال، سازمان‌ها، مکان‌ها، نفایس مکتوب، نفایس موزه و وقف فعالیت دارد. بی‌شک، تدوین دایرةالمعارف آستان قدس رضوی به مراتب دشوارتر از نگارش دایرةالمعارف‌های متعارف است. زیرا علاوه بر تنوع و تخصصی بودن، به سبب انتسابش به علی بن موسی‌الرضا(ع) و آستان قدس رضوی، باید که هوشمندانه، دقیق، منقح و قابل اعتماد باشد. از سوی دیگر دایرةالمعارف‌نویسی کاری گروهی است و به تفاهم جمعی و همتی مجدّانه نیاز دارد، زیرا گذراندن مقالات از صافی‌های گوناگون از عهده یک تن بر نمی‌آید. همچنین تدوین این دایرةالمعارف در آستان قدس مسبوق به سابقه نیست و پیش از این، پشتوانه تجربی نداشته است.

تاکنون حدود ۲۵۰۰ مدخل برای نگارش مقالات به تصویب رسیده که حدود ۱۴ درصد آن وارد چرخه نگارش و

مقدمات تدوین دایرةالمعارف آستان قدس رضوی پس از تأسیس مرکز خراسان‌شناسی در سال ۱۳۷۶ آغاز شد و پس از ادغام آن مرکز در بنیاد پژوهش‌های اسلامی به سال ۱۳۸۰، گروه دایرةالمعارف وظیفه ادامه این کار را در بنیاد برعهده گرفت.

ویرایش‌های مختلف شده است. مراحل نگارش مقالات به شرح ذیل است:

- تهیه پرونده علمی برای هر مدخل با گردآوری منابع به منظور یاری به نویسنده و تسهیل امر نگارش.

- شناسایی محققان بر اساس رشته تخصصی آنان برای نگارش مقالات.

- پیشنهاد کارشناسان برای تعیین نویسنده هر مقاله به شورای علمی دایرةالمعارف.

- سفارش نگارش مقاله و پیگیری آن ضمن همکاری و راهنمایی نویسنده.

- ارزیابی مقدماتی مقاله توسط کارشناس به لحاظ منابع، استنادات و اعتبار علمی آن.

- پیشنهاد کارشناسان برای تعیین ویراستار علمی به شورای علمی دایرةالمعارف.

- حروفچینی، صفحه‌آرایی و نمونه‌خوانی مقاله پس از تأیید مقاله از طرف ویراستار علمی.

- ویرایش استنادی به منظور تطبیق متن با منابع و صحت و سقم ارجاعات.

- ویرایش بافتاری برای حفظ ارتباط و نظم مقاله و انطباق آن با شیوه‌نامه دایرةالمعارف.

- ویرایش ادبی به منظور رعایت اصول نگارش، رسم‌الخط و مطابقت با نشر معیار.

- آوانویسی مدخل‌ها در پایان دایرةالمعارف برای تعیین تلفظ صحیح آن.

- ویرایش جامع برای بازبینی ویرایش‌های پیشین.

در تنظیم این دایرةالمعارف کوشش شده است تا درون‌مایه هر مقاله با مدخل و خاستگاه آن یعنی آستان قدس رضوی - قبل و بعد از انقلاب اسلامی - پیوند داشته باشد.

همچنین علاوه بر توجه به اسناد، مدارک و منابع درباره برخی مدخل‌ها مانند سازمان‌ها، مکان‌ها و نفایس موزه، تحقیقات میدانی و پیمایش صورت گرفته است و سعی بر آن بوده که به واقعیت‌ها استناد گردد

و از اغراق، عبارت‌پردازی و لقب‌سازی پرهیز شود. در مواردی که اختلاف نظر درباره یک شخص یا موضوع ابراز شده، به نظریات صائب جمعی تکیه کرده‌ایم و نه رأی شخصی نویسنده. در چنین مواردی علاوه بر اعتماد به رأی ویراستار علمی، به بحث و فحص و تحقیق مجدد پرداخته‌ایم. به علاوه در تمامی مراحل کار از حمایت و راهنمایی‌های سرپرست و همکاران گروه و مدیر عامل محترم بنیاد بهره برده‌ایم.

با همه کوششی که در تدوین و

آماده‌سازی مقالات به کار رفته است، اذعان داریم که هنوز در آغاز راهیم و به نتایج مطلوب نرسیده‌ایم. به ویژه به سبب تخصصی بودن بسیاری از مدخل‌ها، نتوانسته‌ایم به اندازه کافی از همکاری پژوهشگرانی که به لحاظ علمی و از نظر نویسندگی و توان تألیف در سطح مطلوبی باشند، برخوردار شویم. از این روی از نویسندگان و اهل فن برای همکاری در نگارش مقالات این دایرةالمعارف یاری می‌طلبیم.

برای برخورداری از نظریات محققان و صاحب‌نظران ارجمند، برآنیم از این پس یک مقاله از مدخل‌های هر شاخه را، بدون هیچ تصرف ویرایشی و محتوایی از طرف مجله، برای نمونه عرضه نماییم^۱. امیدواریم که اهل نظر در آنها به چشم عنایت بنگرند و از راهنمایی‌های علمی و فنی، دریغ نورزند.

در پایان از درگاه خداوند کریم خواهانیم که موجبات شکوفایی این اثر را که معرف عظمت بارگاه رضوی و متعلق به ثامن الحجج علی‌بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحية و الثناءست بیش از پیش فراهم آورد و گروه دایرةالمعارف را در خدمت به فرهنگ تشیع و شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت یاری فرماید.

اسدی، محمدولی (بیرجند ۱۲۵۷ ش - مشهد ۱۳۱۴ ش)، نایب‌التولیه (۱۳۰۴-۱۳۱۴ ش) و بانی اصلاحات اداری آستان قدس. محمدولی اسدی ملقب به مصباح‌دیوان، مصباح‌السلطنه و مصباح‌التولیه، فرزند علی اکبر بیرجندی، از چهره‌های سیاسی و کاردان دوره پهلوی اول و متولی آستان قدس رضوی بود. در کودکی به مدرسه معصومیه بیرجند رفت و در سلک شاگردان حاج شیخ محمد باقر مجتهد درآمد (آیتی، ۳۵۲). در جوانی مدتی نایب‌الحکومه قاینات و بعدها مشاور سیاسی و قائم‌مقام امیر شوکت‌الملک شد (عاقلی، رضا شاه و قشون...، ۳۴۴) و در ماجرای قیام کلنل محمد تقی خان پسیان (۱۳۰۰ ش) از سوی امیر شوکت‌الملک برای گفتگو با کلنل به مشهد آمد (همو، ۳۴۵).

وی که چندین دوره نیز نماینده مجلس شورای ملی از حوزه بیرجند بود، در مدت اقامت خود در تهران خیلی زود به شهرت رسید و در شمار حامیان رضاخان درآمد. در دوره هفتم، فرزند ارشد خود سلمان اسدی را که تازه از دانشگاه کمبریج لندن

۱- شایان یادآوری است که هنوز از شاخه‌های وقف و نفایس مکتوب مقاله‌ای ارائه نشده است.

فارغ التحصیل شده بود، به مجلس فرستاد و خود در چهارم اسفند ۱۳۰۴ ش با کمک تیمورتاش، از طرف رضاخان به نیابت تولیت آستان قدس رضوی برگزیده شد. اسدی پس از برکناری و کشته شدن تیمورتاش در نیمه سال ۱۳۱۲، همزمان با دوره دوم نخست وزیری فروغی و با توجه به ازدواج دو فرزندش با دو تن از دختران فروغی (عاقلی، شرح حال رجال سیاسی...، ۱/۱۰۰) باز هم توانست موقعیت خود را حفظ کند.

موقعیت اسدی به تدریج به جایی رسیده بود که هیچ استانداری بدون همسویی با او نمی توانست در منصب خود باقی بماند تا این که فتح الله پاکروان استاندار خراسان شد و مساله کشف حجاب پیش آمد. اسدی که ده سال از نیابت تولیت می گذشت، می کوشید تا پاکروان را که به تازگی به استانداری منصوب شده بود از سر راه خود بردارد. با آمدن سرهنگ محمدرفیع نوایی به عنوان رئیس جدید شهربانی های استان و انتصاب عبدالعلی میرزایی به سمت رئیس تشریفات آستان قدس رضوی، موقعیت اسدی بیش از پیش متزلزل شد. در بهار سال ۱۳۱۴ ش درگیری بین اسدی و پاکروان شدت یافته آشکار شد. اسدی با کشف حجاب در مشهد مخالف بود و از شاه خواست تا اجرای آن را

در مشهد به تأخیر اندازد، ولی پاکروان داوطلبانه مایل بود تا این امر را به عهده گیرد. اسدی که به هنگام واقعه مسجد گوهرشاد به دستور رضا شاه برای سرکشی املاک وی در فریمان به سر می برد، گمان نمی کرد این جریان به یک فاجعه تبدیل شود و پاکروان از آن علیه وی استفاده کند. با آن که اسدی قبل از عزیمت خود دستگیری بهلول را که در حرم به بست نشسته بود از خدام حرم خواسته بود، ولی پاکروان با مساعدت سرهنگ نوایی به دسیسه چینی علیه وی پرداخت و او را مسبب اصلی واقعه گوهرشاد معرفی کرد. تحریک روستاییان فریمان در حمایت از متحصنین مسجد گوهرشاد نیز به وی منتسب گردید. (جلالی، تاریخ مشهد از مشروطه تا...، ۲۵۲). بدین ترتیب اسدی در سه شنبه شب چهارم آذر ۱۳۱۳ بازداشت و بلافاصله از دارالتولیه به هنگ شاهپور منتقل و زندانی شد.

هیأت اعزامی از تهران به سرپرستی سرتیپ عباس البرزوی را طی یک دادگاه نظامی محاکمه و محکوم به اعدام کرد. با تأیید حکم تجدید نظر از طرف فضل الله زاهدی، اسدی در سپیده دم ۲۹ آذر ۱۳۱۳ با لباس رسمی و نشان دربار، در خارج شهر تیرباران گردید (عطاردی، فرهنگ خراسان،

۵۴۳/۶) و کوشش فرزندان و دوستانش برای عفو وی به نتیجه نرسید. جنازه اسدی در گورستان عمومی شهر بدون نام و نشان دفن گردید (عاقلی، رضا شاه و قشون...، ۳۷۳).

پس از شهریور ۱۳۲۰ فرزندان اسدی موضوع بی گناهی پدر خود را در محاکم قضایی پی گیری کردند و آن را به اثبات رساندند. سپس باقی مانده جسد او را از محل دفن، خارج کردند و در مقبره اختصاصی وی در حرم مطهر به خاک سپردند (عاقلی، شرح حال رجال سیاسی...، ۱۰۳/۱).

اسدی را فردی باهوش، کاردار و بردبار توصیف کرده اند. وی در زمان تصدی نیابت تولیت آستان قدس در مدت کوتاهی اوضاع آستانه را سامان داد. از جمله اقدامات او می توان به این موارد اشاره کرد: سیاهه برداری از تمام اموال آستان قدس، تنظیم بودجه، تأسیس صندوق درآمدها و هزینه های آستان قدس، حذف القاب و عناوین مرسوم در آستانه، تهیه لباس متحدالشکل برای کارمندان و خادمان، جایگزین کردن مدارس جدید به جای مکتب خانه آستان قدس، تأسیس مرکز آموزشی معقول و منقول در جنب

آستان قدس و دعوت از علما و فضلا برای تدریس در آن، تهیه فهرستی از کتب کتابخانه و موقوفات آستانه، تعویض صندوق مضجع مطهر امام رضا(ع)، تأسیس موزه، احداث فلکه در اطراف حرم مطهر، انتقال آب گناباد برای تأمین آب شرب مشهد، احداث کارخانه بزرگ برق و احداث بیمارستان شاهرضا (عطاردی، فرهنگ خراسان، ۵۳۱/۶-۵۳۵؛ همو، تاریخ آستان قدس، ۶۱۰/۲).

با اعدام اسدی، نیابت تولیت آستان قدس رضوی به پاکروان واگذار گردید و یک هفته بعد، در هفتم دی ۱۳۱۴ ش سید عبدالعلی میرزایی نظام التولیه رقیب سرسخت اسدی به عنوان معاون نیابت تولیت برگزیده شد (رایین، ۲۵۶).

منابع: آیتی، محمدحسین، بهارستان، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۱ ش؛ جلالی، غلامرضا، تاریخ مشهد از مشروطه تا انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ همو، تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ رایین، اسماعیل، واقعه گوهرشاد به روایت دیگر، نشر رایین، تهران، ۱۳۷۹ ش؛ عاقلی، باقر، رضاشاه و قشون متحدالشکل، نامک، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ همو، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، نشر

گفتار و نشر علم، تهران، ۱۳۸۰ش؛ عطاردی، عزیزالله، تاریخ آستان قدس، عطارد، تهران، ۱۳۷۱ش؛ همو، فرهنگ خراسان، عطارد، تهران، ۱۳۸۱ش.

غلامرضا جلالی

ایوان نقاره‌خانه (شرقی)، در ضلع شرقی صحن انقلاب (کهنه/عتیق)، دارای دو سر در داخلی و بیرونی، مشرف به صحن انقلاب و بست شیخ حر عاملی (بست پایین خیابان). این بنا و دو ایوان عباسی (شمالی) و ایوان ساعت (غربی) از یادگارهای شاه عباس اول صفوی (۹۷۸-۱۰۳۸ق) است. وی در یکی از سفرهای خود به مشهد (۱۰۲۱ق) پس از تشریف به حرم مطهر، دستور توسیع و احداث صحن کهنه (صحن انقلاب) را صادر کرد تا صحن به صورت یک مجموعه چهار ایوانی درآید (اسکندر منشی، ۱۵۴/۲؛ مولوی، ۹۱/۱؛ قصابیان، ۲۰۸).

ایوان نقاره‌خانه ۲۶ متر ارتفاع، ۸/۷ متر عرض و ۲۰/۱۸ متر طول دارد و از دوره قاجار به سبب تجدید بنای نقاره‌خانه بر روی آن، به این نام معروف گردیده است. این ایوان بارها مرمت و بازسازی شده است که مهمترین آنها: مرمت دوره حاج میرزا موسی خان فراهانی (۱۲۶۱ق) متولی باشی فتحعلی‌شاه؛ مرمت دوره عضدالملک

(۱۲۷۶ق) نایب‌التولیه ناصرالدین شاه و تعمیر و بازسازی سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۴۶ش در دوران نیابت سید فخرالدین شادمان و باقر پیرنیا است (مؤتمن، ۱۲۸-۱۳۰؛ کاویانیان، ۲۳۲-۲۳۳). در همین دوران به سبب رطوبت ناشی از گذر آب خیابان از میان صحن و شکست طاق و فرسودگی معرّقه‌های قدیم، سر در داخلی و بیرونی ایوان تعمیر گردید و نقاره‌خانه جدید بر فراز آن ساخته شد. کاشی‌های ایوان که از نوع هفت رنگ بود، برچیده و با کاشی‌های معرّقه و ممتاز و کتیبه‌هایی به خط ثلث جلی مزین گردید. مقرنس‌های سقف نیز با کاشی‌های معرّقه زینت یافت (مؤتمن، ۱۲۹-۱۳۰؛ کاویانیان، ۲۳۴؛ رضوان، ۶۳-۶۸).

تزیینات ایوان نقاره‌خانه: ازاره دو طرف ایوان از سنگ مرمر روشن به ارتفاع دو متر که در سال ۱۳۴۶ش به همت مهندس علی‌محمد انصاری نصب شد (سعادت، ۴۲؛ احتشام‌کاویانیان، ۲۲۴)؛ در چوبی به ابعاد ۵×۸ متر، دارای نقوش هندسی برجسته، معرّقه‌کاری و مزین به اشعار و احادیث به هزینه فضل‌الله شهبازی در اصفهان ساخته شده است (پیمایش)؛ مقرنس‌های سقف ایوان و نیم‌شمسه بزرگ با زمینه لاجوردی در قسمت داخلی و بیرونی

آن (پیمایش)؛ کاشی‌های معرّق با طرح‌های اسلیمی و ختایی به شکل هندسی صاف و برجسته، در نقش گل و مرغ بر دو طرف بالای ازاره داخلی ایوان؛ خوانچه‌بندی داخلی ایوان با طرح‌های اسلیمی و دو نقش شیر بر پیشانی ایوان داخلی و نیز نقش گلدان و گل و گیاه در رنگ‌های متنوع (پیمایش).

کتیبه‌های سر در داخلی ایوان نقاره‌خانه: کتیبه پیشانی ایوان، مرقم به آیه مبارکه «مُزْمِلٌ» با خط ثلث به رنگ سفید، بر زمینه لاجوردی اثر محمد حسین شهید مشهدی به تاریخ ۱۲۶۱ق. در سمت راست، زیر کتیبه عبارت: «بسعی ذره خاکسار علی قباد بیک چوله ایشیک آقاسی» و در طرف چپ: «عمل محمد تقی کاشی‌پز ۱۲۶۱ق» منقوش است (اعتمادالسلطنه، ۴۲۰/۱-۴۲۱؛ عطاردی، ۲۱۷/۱)؛ کتیبه داخل ایوان، زیر طاق که در سه طرف آن دو حدیث «روی عن صاحب الکشاف...» و «حدثنا ابو جعفر باسناده عن الحسین...» از تفسیر کشاف به خط ثلث سفید رنگ بر زمینه لاجوردی منقوش است (عطاردی، ۲۱۷/۱-۲۱۸؛ پیمایش)؛ کتیبه هلالی سنگ مرمر بالای در ورودی که اکنون بر پیشانی آن «بسمه تعالی» باقی مانده و متن ذیل آن که مربوط به تعمیرات ایوان و تجدید کاشی‌های آن در

زمان نیابت باقر پیرنیا بوده، زدوده شده است (مؤتمن، ۱۳۰؛ احتشام‌کاویانیان، ۲۲۴).

کتیبه‌های سردر بیرونی ایوان نقاره‌خانه: کتیبه پیشانی سر در، با خط ثلث جلی به رنگ سفید بر زمینه لاجوردی، اثر محمدحسن رضوان (۱۴۱۵ق). اصل این کتیبه به رنگ زرد و به خط محمد حسین شهید مشهدی و مربوط به تعمیر ایوان در سال ۱۲۷۹ق بوده است که به دلیل فرسودگی کاشی‌ها، در سال ۱۴۱۵ق به همان شیوه گذشته با عبارت «قد امر بتجدید هذا الباب بعد ما بنی هذا الايوان السلطان المغفور شاه عباس الصفوی...» کتابت شده است (مؤتمن، ۱۲۸؛ احتشام‌کاویانیان، ۲۲۴؛ عطاردی، ۲۱۸/۱)؛ کتیبه معرّق داخل ایوان با خط ثلث به رنگ زرد بر زمینه لاجوردی، بر سه طرف ایوان، مشتمل بر دو حدیث: «عن علی بن مهزیار...» و «روی عن محمد بن عیسی...» و در پایان آن عبارت: «۱۲۶۱ تعمیر شد» آمده است (مؤتمن، ۱۲۹؛ پیمایش)؛ کتیبه حجاری شده بر سنگ مرمر هلالی شکل بالای سردر، به عرض دهنه در ورودی، مشتمل بر ۱۲ بیت شعر فارسی به خط نستعلیق، دارای ماده تاریخ و مربوط به روزگار شاه صفی (۱۰۴۴ق) و دو حدیث از پیامبر اکرم (ص) بر دور سنگ به

خط رفاع نگارش یافته است (مؤتمن، ۱۲۹؛ احتشام‌کاویانیان، ۲۲۳؛ عطاردی، ۲۲۰/۱؛ پیمایش).

منابع: احتشام‌کاویانیان، محمد، شمس‌الشموس، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۵۵ش؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، مطلع‌الشمس، به کوشش تیمور برهان لیمودهی، فرهنگ‌سرا، تهران، ۱۳۶۲ش؛ بیات، کاظم، پیمایش، ۱۳۷۹ش؛ اسکندر منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲ش؛ رضوان، محمدحسن، «نقاره‌خانه جدید»، نامه آستان‌قدس، ش. ۱۵، ۱۳۴۳ش، سعادت، بیژن، بارگاه رضا(ع) (مجموعه مطالعاتی ابنیه آستان‌قدس رضوی)، شیراز، دانشگاه پهلوی [سابق]، ۱۳۵۴ش؛ عطاردی، عزیزالله، تاریخ آستان قدس رضوی، عطارد، تهران، ۱۳۷۱ش؛ قصابیان، محمد رضا، تاریخ مشهد، انصار، مشهد، ۱۳۷۷ش؛ مؤتمن، علی، تاریخ آستان‌قدس، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۵۵ش؛ مولوی، عبدالحمید، «آستان قدس رضوی»، دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۴ش.

/کاظم بیات/

پرده قلاب‌دوزی گلابتون ابریشمی، پوشش مـرقد مـطهر، مـربوط بـه دوره قاجاریه (۱۲۴۰ق). این پرده دارای طرح

محرابی، به ابعاد ۱۴۷×۲۹۸ سانتیمتر است که با گلابتون نقره‌ای و ابریشم الوان دست‌دوزی شده و فتحعلی‌شاه قاجار آن را به حرم مطهر وقف کرده است.

طرح متن دارای اسلیمی‌های درشت چشم‌نواز با گل و برگ‌های افشان است و در وسط آن ترنجی به شکل گل چهار پر وجود دارد. اسلیمی‌ها با ابریشم زرد، زمینه اصلی با گلابتون و دو لچک محراب با ابریشم سورمه‌ای بافته شده و در میانه پایین محراب عبارت «کمترین غلام محمد باقر» قلاب‌دوزی گردیده است.

این پرده دارای دو حاشیه کوچک و یک حاشیه بزرگ است که با گل و برگ‌های زیبا تزیین شده است. قسمت بالای محراب نیز دارای دو حاشیه بزرگ کتیبه‌دار است که حاشیه اول، دارای چهار کتیبه قلمدانی زیبا با شعری بدین مضمون است: «شهزاده کامران دوران - دارای جهان علینقی شاه / این پرده ز چشم حاجت خویش - آورد در این خجسته درگاه» که هر مصراع داخل یک کتیبه قرار دارد.

در چهارگوشه حاشیه بزرگ، دو حدیث قلاب‌دوزی شده است: در حاشیه پایین سمت راست «هو انا دار الحکمه»، در سمت چپ آن «علی بابها»، در حاشیه بالای سمت

راست «انا مدینه العلم» و در طرف دیگر «علی بابها» درج شده است.

در وسط حاشیه بزرگ از سمت بالا عبارت: «السلطان بن السلطان بن السلطان فتحعلیشاه قاجار» با ابریشم طلایی بافته شده است و در میانه حاشیه بزرگ پایین، عبارت «عمل کمترین غلام جاننثار استاد محمد وزین‌دار»، با دو نقش شیر و خورشید در طرفین آمده است.

هشت بیت شعر به شکل کتیبه‌های قلمدانی در حاشیه پرده قلابدوزی شده که بیت نخست آن از حاشیه پایین سمت راست شروع می‌شود و تا انتهای حاشیه سمت چپ ادامه می‌یابد. بیت آخر که متضمن ماده تاریخ بافت پرده نیز هست، در حاشیه دوم بالای محراب قرار دارد و در وسط دو مصرع آن عبارت «اللهم صل علی محمد و آل محمد» درج شده است.

این پرده هم اکنون در شمار نفایس آستان قدس رضوی، در موزه فرش نگهداری می‌شود.

منابع: صمدی، حبیب‌الله، راهنمای موزه آستان قدس رضوی، آستان قدس رضوی، مشهد؛ اردلان جوان، سیدعلی، پیمایش، ۱۳۸۲ش.

/سید علی اردلان جوان/

توپ‌بندی حرم، واقعه حمله قزاقان روس به حرم رضوی (۱۳۳۰ق). در سال ۱۳۲۹ق محمدعلی‌شاه که به اندیشه اعاده سلطنت، از مرزهای شمالی وارد استرآباد شده بود از قوای دولتی شکست خورد و هواخواهانش منکوب شدند (میرنیا، ۱/۲۶۶). دولت با تصویب مجلس وظیفه یافت املاک شعاع‌السلطنه و سالارالدوله را که به حمایت از محمدعلی‌شاه پرداخته بودند ضبط نماید (همو، همان‌جا؛ عاقلی، ۱/۸۵). این امر دستاویزی شد تا دولت‌های روس و انگلیس که منافع خود را با اصلاحات مورگان شوستر امریکایی در امور مالی و خزانه‌داری ایران در تعارض می‌دیدند، خواهان برکناری وی شوند. (ادیب هروی، انقلاب طوس، ۲۶۵؛ براون، ۳۶). به همین سبب دولت روسیه مصادره اموال شعاع‌السلطنه را به دلیل بدهی نامبرده به بانک استقراضی روس بهانه قرار داده، طی اولتیماتومی عزل و اخراج شوستر را خواستار شد (سایکس، ۲/۶۰۰). روسیه که بر مبنای قرارداد ۱۹۰۷م شمال ایران را منطقه تحت نفوذ خود می‌دانست شماری از واحدهای نظامی خود را به شمال ایران و از جمله خراسان گسیل داشت (بهار، ۱/۱۵؛ مشهد؛ الهی، ۳۷۹). این اقدام موجب تحریک مردم شهرهای مختلف کشور علیه

روس‌ها شد (ادیب هروی، حدیقه‌الرضویه، ۱۷۱؛ کاظم‌زاده، ۶۳۵). دابیژا، قنسول روسیه در مشهد نیز که منافع دولت خویش را در خطر می‌دید از دولت متبوع خود خواست تا سپاهیان بیشتری به این خطه بفرستد (الهی، ۳۷۹-۳۸۰).

قشون روس در اوایل محرم ۱۳۳۰ ق به بهانه حفظ اتباع خود با توپخانه و تجهیزات کامل وارد مشهد شد و رکن‌الدوله، والی خراسان نسبت به پذیرایی و اسکان آنان اقدام کرد (ادیب هروی، همان‌جا؛ خراسانی، ۶۳۲-۶۳۳). سپس دابیژا در حمایت از محمدعلی‌شاه، اقدام به تحریک چند تن از عوامل خود بر ضد مشروطه‌خواهان کرد (ادیب هروی، همان‌جا؛ خراسانی، همان‌جا؛ براون، ۱۷۷). به همین سبب یوسف‌خان هراتی سرکرده اشرار و اوباش و سیدمحمد یزدی معروف به طالب‌الحق، به حمایت از محمدعلی‌شاه و نفی مشروطه، اجتماعاتی در برخی نقاط شهر برپا کردند (ادیب هروی، همان‌جا؛ خراسانی، همان‌جا؛ مدرس رضوی ۲۲۶-۲۲۷). این تحریکات که در ابتدا به خوبی قابل پیشگیری بود به دلیل بی‌توجهی و مسامحه والی خراسان و تولیت وقت، مرتضی قلی‌خان نائینی به فتنه‌ای عظیم تبدیل شد (شریف کاشانی

۶۳۲/۲-۶۳۳ و ۷۰۵؛ سازمان کتابخانه‌ها و...، سند شم ۹۸۷۲). در نتیجه تحریکات این افراد، به تدریج عده‌ای از مردمان ساده‌لوح و افراد مسلح و فرصت‌طلب جمع شدند و مرکز فعالیت خود را از میادین شهر به داخل حرم مطهر انتقال دادند. دسته‌ای به رهبری طالب‌الحق و علی‌اکبر نوقانی مسجد جامع و صحن کهنه (نام فعلی: صحن انقلاب) را در اختیار گرفتند و دسته یوسف‌خان هراتی صحن نو (نام فعلی: صحن آزادی) را متصرف شدند (ادیب هروی، حدیقه‌الرضویه، ۱۸۳؛ خراسانی، ۶۳۳؛ مدرس رضوی، ۲۲۷). تفنگداران آنها هم میان مسجد جامع و اطراف بست بالا خیابان و پایین خیابان و بازار بزرگ متفرق شدند و بر ناامنی شهر افزودند (ادیب هروی، همان‌جا). در هفتم ربیع‌الاول محمد قوش‌آبادی، از اشرار معروف نیز با عده خود شبانه وارد مشهد شد و به یوسف‌خان پیوست (ادیب هروی، همان، ۱۸۸-۱۸۹؛ اولیاء بافقی، ۲۲۰؛ احمدخان، ۱۱۸).

از اوایل ماه ربیع‌الثانی امنیت و آسایش به کلی از مردم شهر سلب شد (ادیب هروی، همان، ۱۹۷؛ خراسانی، ۶۳۳؛ احتشام‌کاوایان، ۸۰). دولت روسیه که هدفش مداخله در امور شهر بود، زد و خورد

بین سربازان دولتی و اشرار را مستمسک قرار داد و به بهانه حفظ اتباع خود، نیروهایش را در نقاط مختلف شهر مستقر ساخت (ادیب هروی، همان، ۱۹۸؛ احتشام‌کاوینیان، ۶۳۳).

در چهارم ربیع‌الثانی افراد یوسف‌خان با نقض تأمین اعلام شده به مناسبت عید نوروز، رئیس کمیسری نوغان را به قتل رساندند (ادیب هروی، همان، ۲۰۵-۲۰۷؛ مدرس رضوی، ۲۲۹). بعد از ظهر همان روز نیز با حمله به کمیسری‌های پائین خیابان، عیدگاه و سرشور جمع دیگری را کشتند. پس از این واقعه جمعی به قسولگری روسیه رفتند و امنیت شهر را خواستار شدند (ادیب هروی، همان، ۲۰۷؛ مدرس رضوی، ۲۲۹). قنسول با احضار والی، خواهان برقراری فوری امنیت و یا استعفای وی شد. رکن‌الدوله بر اثر این پیش‌آمدها استعفا کرد (ادیب هروی، همان‌جا؛ احمدخان، ۱۳۲-۱۳۳). سپس ردکو، فرمانده قشون روس مأمور انتظامات شهر شد و همکار خود خارانوف را به جای منشی نظام به ریاست نظمیۀ گماشت. در روز ششم، قوای نظمیۀ را به بهانه پرداخت حقوق احضار و خلع سلاح کرد و اداره کامل شهر را در دست گرفت (ادیب هروی، همان،

۲۰۷-۲۰۸؛ احمدخان، ۱۳۴). در هشتم ربیع‌الثانی آخرین اعلامیه ردکو صادر و به متحصنین چهل و هشت ساعت فرصت داده شد تا متفرق شوند؛ اما چون یوسف‌خان هراتی سردسته غوغاگران، پنهانی از سوی قنسول روسیه حمایت می‌شد، اقدامات مرتضی‌قلی‌خان متولی‌باشی و سایر دلسوزان برای فرونشاندن فتنه فایده‌ای نبخشید (ادیب هروی، همان، ۲۰۸-۲۰۹؛ خراسانی، ۶۳۴-۶۳۵).

در دهم ربیع‌الثانی دو ساعت و نیم به غروب مانده روس‌ها که پیش‌تر در مواضع خود مستقر شده بودند بمباران حرم مطهر را آغاز کردند که تا نیم ساعت از شب رفته ادامه یافت (ادیب هروی، همان، ۲۱۲؛ خراسانی، ۶۳۵؛ احمدخان، ۱۳۵؛ بدایع‌نگار). سپس صحن و مسجد را متصرف شدند و با ورود به روضه منوره به کشتار مردم و زائران پرداختند (ادیب هروی، همان، ۲۱۲؛ احمدخان، ۱۳۶-۱۳۸)، تا این که به واسطه فریادهای الامان مردم شلیک را متوقف کردند. بعد از این جنایت، صحن کهنه را محل اجتماع اسرا قرار داده، دستور جمع‌آوری کشته‌شدگان را دادند (ادیب هروی، همان، ۲۱۲-۲۱۳؛ خراسانی، همان‌جا). روز بعد اسرا را مرخص کرده و

اعلانی در شهر منتشر ساختند که هدف قوای روس سرکوبی متجاسرین و برقراری امنیت بوده است (ادیب هروی، همان، ۲۲۸-۲۲۹؛ همو، انقلاب طوس، ۳۸۰). در دوازدهم ربیع‌الثانی اجازه دفن کشته‌شدگان داده شد (ادیب هروی، همان، ۲۱۴؛ خراسانی، همان‌جا).

از سران شورشیان تنها سیدمحمد طالب‌الحق دستگیر شد و باقی متواری شدند (ادیب هروی، همان، ۲۲۱؛ سایکس، ۶۰۳). حرم مطهر تا چهار روز در تصرف قشون روس بود (خراسانی، ۶۳۶). روز چهارم متولی را حاضر کرده و از وی دستخط گرفتند که چیزی از اسباب حرم کاسته نشده و هدف از میان بردن مفسدین بوده است (ادیب هروی، الحديقة الرضویه، ۲۱۵؛ احتشام‌کاویانیان، ۸۸).

در این حمله دهشتناک، که در منابع از آن به فتنه‌الکبری، آشوب آخرالزمان و عاشورای ثانی یاد شده است (اولیاء بافقی، ۲۳۲؛ احتشام‌کاویانیان، همان‌جا)، خسارات فراوانی به اماکن متبرکه به ویژه گنبد مطهر و مسجد جامع وارد آمد (ادیب هروی، همان، ۲۲۷؛ خراسانی، ۶۳۶؛ احمدخان، ۱۴۳) و برخی از اشیای نفیس و کتب کتابخانه آستان قدس مفقود شد (ادیب هروی؛ همان

۲۳۲-۲۳۶). تعداد کشته‌شدگان را تا هشتصد تن نیز ذکر کرده‌اند، اما قول مشهور در این خصوص شصت تا هفتاد تن می‌باشد (ادیب هروی؛ همان، ۲۲۷-۲۲۸؛ خراسانی، همان‌جا؛ احمدخان، ۱۴۰).

نقش دولت روس در وقوع این فاجعه و ارتباط با فتنه‌آفرینان در بیشتر منابع تصریح شده است؛ اما برخی از پژوهشگران به نقش مزورانه انگلیس در این قضیه و تحریک روس‌ها اشاره کرده‌اند (خان‌ملک ساسانی، ۶۸-۷۱؛ الهی، ۳۷۵-۳۹۴).

منابع: احمدخان، «وقایع مشهد»، مشروطه گیلان از یادداشت‌های رایینو به انضمام وقایع مشهد، به کوشش محمد روشن، طاعتی، رشت، ۱۳۵۲ش؛ احتشام‌کاویانیان، محمد، شمس‌الشموس، آستان‌قدس، مشهد، ۱۳۵۵ش؛ ادیب هروی، محمدحسن، انقلاب طوس یا پیدایش مشروطیت ایران، مشهد، ۱۳۳۱ش؛ همو، حدیقه‌الرضویه، چاپخانه خراسان، مشهد، ۱۳۲۷ش؛ الهی، حسین، ریشه‌های یک تهاجم در خراسان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال سی و دوم، شم ۴ و ۳؛ ۱۳۷۸ش؛ اولیاء بافقی، حسین، «آشوب آخر الزمان»، گزارش‌های کتاب آبی درباره مشروطه گیلان، به کوشش محمد روشن، رشت، ۱۳۶۸ش؛ بدایع نگار، فضل‌الله آل‌داوود، «عاشورای رضوی»، الکمال، سال اول، شم ۵، ۱۲۹۹ش؛ بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب

سیاسی ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش؛ براون، ادوارد، یادداشت‌هایی از تبریز، ترجمه حسن جوادی، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱ش؛ خان‌ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، بابک، تهران، ۱۳۶۲ش؛ خراسانی، محمدهاشم، منتخب‌التواریخ، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش؛ سایکس سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳ش؛ شریف کاشانی، محمد مهدی، وقایع اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲ش؛ عاقلی باقر، روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۶ش؛ کاظم‌زاده فیروز، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۴ش؛ مدرس رضوی، محمدتقی، سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم، به کوشش ایرج افشار، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸ش؛ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ششم ۹۸۷۲؛ «مشهد»، ترجمه کاظم خادمیان، فصلنامه مطالعات جغرافیایی، شم ۲۶، ۱۳۷۱ش؛ میرنیا، سیدعلی، وقایع خاور ایران، اردشیر، مشهد، ۱۳۷۳ش.

/ محمد سوهانیان حقیقی

فرهنگنامه قرآنی، سازمان (۱۳۴۸-۱۳۵۳ش)، سازمانی پژوهشی به منظور تدوین فرهنگی بر اساس قرآن‌های کهن و ترجمه‌دار کتابخانه آستان قدس رضوی. این

سازمان در زمان تولیت باقر پیرنیا (۱۳۴۶-۱۳۵۰ش) و به همت دکتر احمدعلی رجایی بخارایی که در آن زمان مدیریت امور فرهنگی و کتابخانه‌های آستان قدس رضوی را عهده دار بود، تأسیس شد (سلطانی گرد فرامرزی، ۴۰؛ یاحقی، فرهنگنامه قرآنی، نامه آستان قدس، ۱۴۱؛ احتشام کاویانیان، ۴۶۸؛ رکنی، ۲۴۷؛ پیرنیا، ۳۳۴).

دکتر رجایی که ضمن بررسی و انتظام نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی به ارزش ترجمه‌های پارسی میان سطری قرآن‌های کهن پی برده بود، درصدد تدوین فرهنگی عربی به فارسی بر اساس برابره‌های واژه‌های قرآنی برآمد. با این نیت، سازمان فرهنگنامه قرآنی را در حجره‌های طبقه دوم ضلع جنوب غربی صحن نو تأسیس کرد (سلطانی گرد فرامرزی، ۴۰؛ یاحقی، همان، ۱۴۲؛ خسروانی، ۲۰۳؛ ارشاد سرابی، ۲۴).

حدود بیست تن از دانشجویان و فارغ‌التحصیلانی که از اهلیت و ورزیدگی علمی لازم برخوردار بودند، به تناوب و به صورت پاره وقت با این سازمان همکاری می‌کردند (یاحقی، فرهنگنامه قرآنی، ۱/سی و یک).

عمده‌ترین هدف این سازمان گردآوری واژه‌ها و ترکیبات فارسی از دل قرآن‌های مترجم کهن، و تدوین و تنظیم آنها بود. با فراهم آمدن این فرهنگنامه، توانایی‌های زبان فارسی در برگردانیدن مفاهیم قرآنی در تاریخ زبان و ادب پیشین ایران آشکار می‌شد. مبنای انتخاب واژه‌های میان سطری قرآن‌های کهن، صحت، قدمت و سره بودن واژه‌ها یا ترکیب‌های فارسی بود (یاحقی، فرهنگنامه قرآنی، ۱/بیست و چهار؛ ارشاد سرابی، ۲۵ و ۲۸).

بدین ترتیب، با جمع آوری قرآن‌های خطی و تعیین تاریخ کتابت، برگ شماری و فهرست‌نویسی آنها، کار فیش برداری با دستورالعملی که دکتر رجایی مشخص کرده بود آغاز شد. تا سال ۱۳۵۲ش هنوز بیش از ۸۰ قرآن فیش برداری نشده بود که دکتر رجایی با حسن زاهدی، نایب‌التولیه وقت (۱۳۵۰-۱۳۵۳ش) بر سر مسایل فرهنگی اختلاف یافت و به یکباره دست از همه کارهای ناتمام فرو شست و از سر ضرورت به تهران رفت.

کارشکنی و عدم تشخیص برخی از افراد و مسؤولان آستان قدس سبب شد که سازمان فرهنگنامه قرآنی به رغم کوشش‌های دکتر یاحقی، مدیر داخلی

سازمان در پایان سال ۱۳۵۳ منحل شود (یاحقی، از شمار خرد...، ۵۶۳-۵۶۴؛ رواقی، ۱۵؛ ارشاد سرابی، ۲۵).

با تأسیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۳ش، کار تدوین فرهنگنامه قرآنی در آن بنیاد ادامه یافت و سرانجام با نظارت و اشراف دکتر محمد جعفر یاحقی و کوشش جمعی دیگر، در ۵ جلد چاپ و منتشر گردید. تهیه این اثر سترگ از آغاز تا انجام طی دو دوره (۱۳۴۸-۱۳۵۳) و (۱۳۶۳-۱۳۷۵) هفده سال به طول انجامید.

منابع: احتشام کاویانیان، محمد، شمس‌الشموس، مشهد، ۱۳۵۴ش؛ ارشاد سرابی، اصغر، «گشت و گذار در گلگشت فرهنگنامه قرآنی»، آینه پژوهش، سال پنجم، ش ۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۳ش؛ پیرنیا، باقر، گذر عمر، کویر، تهران، ۱۳۸۲ش؛ خسروانی، سیدمحمود، «فرهنگنامه قرآنی»، مشکوة، ش ۳۴، بهار ۱۳۷۱ش؛ رکنی، محمدمهدی، «شرح حال و آثار دکتر رجایی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی (یادنامه شادروان دکتر رجایی)، سال چهاردهم، ش ۲، تابستان ۱۳۵۷ش؛ رواقی، علی، «کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی»، کیهان فرهنگی، ش ۱، فروردین ۱۳۶۳ش؛ سلطانی گرد فرامرزی، علی، «از شمار دو چشم یک تن کم»، نگین، سال چهاردهم، ش ۱۵۹، ۱۳۵۷ش؛ یاحقی،

محمدجعفر، «فرهنگنامه قرآنی»، نامه آستان قدس، دوره هشتم، ش ۴، ۱۳۴۹ش؛ همو، فرهنگنامه قرآنی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۵؛ همو، «از شمار خرد...»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال بیست و ششم، ش ۳ و ۴، ۱۳۵۷ش.

/ اصغر ارشاد سرابی /

ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی

(امیرالشعرا)، شاعر رسمی آستان قدس. این لقب به معنی رئیس، سرور و امیر شاعران است و بعد از حمله اعراب در میان سلسله‌های ایرانی تداول یافت. وظیفه ملک‌الشعرا، حضور در مراسم و جشن‌های دربار و خواندن شعری به همان مناسبت در ستایش پادشاه و نیز ارزیابی شعر دیگر شاعران بود (انوری، ۱۹؛ مصاحب، ۲۸۴۸/۲؛ عنصری، ۱۶؛ دهخدا، ذیل ملک‌شاه).

از ابتدای قرن سوم هجری شاعران در مدح و منقبت و رثای امام رضا(ع) شعر می‌سرودند (سجادی، ۴۱؛ مهدوی دامغانی، ۳۸؛ شریعت ترشیزی، ۱۳۰). با رسمی شدن تشیع در ایران و تشویق پادشاهان صفوی و نیز گسترش بارگاه رضوی و برقراری تشکیلات و آداب و رسوم در حرم مطهر، شاعران برای مدح امام

رضا(ع) مجالی بیشتر یافتند. بعضی از این اشعار با نام شاعران آنها، در کتیبه‌های حرم مسطور است و از آن جمله می‌توان به ندیم، راقم، سرخوش، خرم، احسان، پریشان، حیرت، دبیرالملک فراهانی، سروش، شفایی، صبوری، قآنی، مینا و وقار اشاره کرد (اعتضادپور، ۲۸؛ مؤتمن، ۵۸؛ وحیدیان، ۳۹؛ گلشن آزادی، ۲۹۵، ۲۴۹، ۲۳۳؛ ولایی، ۴۴، آراین‌پور، ۲۲/۱، ۹۶، ۸۷، ۱۶، ۷، ۱۲۸؛ بـیـنـش، ۱۰۴-۱۰۹؛ اعتمادالسلطنه، ۳۵۵/۲-۵۱۱؛ امام، ۴۴۶). لقب ملک‌الشعرا، از دوره قاجار به برخی از شاعران آستان قدس اعطا گردید. بدین ترتیب که ماهرترین شاعر وقت از طرف آستان قدس به دربار معرفی می‌شد و فرمان شاه مبنی بر انتصاب وی به عنوان ملک‌الشعرا، آستان قدس صادر می‌گردید (امام، ۴۹۶؛ فیاض، ۱۳۰). وظیفه اصلی وی سرودن شعر در مدح حضرت رضا(ع) و خواندن آن در مجلس سلام و جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی بود (مؤتمن، ۲۲۸-۲۲۹؛ مصاحب، ۲۸۴۸/۲). این اشعار بیشتر در قالب قصیده و گاهی مسمط و به ندرت ترکیب‌بند یا ترجیع‌بند سروده می‌شد، با این تفاوت که از حیث مضمون بعد از نسیب و تشبیب، از محامد و مناقب ائمه اطهار یاد

می‌شد و گاهی نیز شاعر به مدح پادشاه و نایب‌التولیه وقت گریز می‌زد (بینش، ۱۰۰). در دوره قاجار پرداخت مواجب به ملک‌الشعرا معمولاً به صورت نقدی و جنسی بوده است و در بعضی از اعیاد علاوه بر آن پاداشی نیز به عنوان خلعت دریافت می‌کرد که اسناد آن در مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود است.

از زمان انتصاب اولین شاعر رسمی آستان قدس که مقرری دریافت می‌کرده است اطلاع دقیقی در دست نیست (مؤتمن، ۲۳۴)، ولی از بعضی منابع برمی‌آید که در ۱۲۸۴ق میرزا مینای تربتی، ملک‌الشعرا آستان قدس بوده است (حکیم‌الممالک، ۲۱۴؛ اعتمادالسلطنه، مرآت...، ۱۵۴۸/۳؛ فرخ، ۵۴). بعداز مینا، میرزا محمد کاظم صبوری به جهت قصیده‌ای که در مجلس سلام روز عید فطر سال ۱۲۸۴ق خواند از طرف حشمت‌الملک، حاکم خراسان، به لقب رئیس‌الشعرا مفتخر و در ۱۲۹۴ق به پیشنهاد میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک، تولیت آستان قدس و دستور ناصرالدین شاه به لقب ملک‌الشعرا سرفراز شد (افضل‌الملک، ۶۹-۷۹؛ گلشن آزادی، ۳۴۶-۳۴۸؛ حاج‌سیدجوادی، ۲۶/۴؛ عابدی، ۱۸؛ اعتمادالسلطنه، مطلع...،

۳۸۶/۲؛ سلیمانی، ۱۷۲؛ امام، ۴۹۶-۴۹۸). بعد از فوت صبوری (۱۳۲۳ق)، منصب ملک‌الشعرا مدتی معطل ماند و بر سر آن رقابت‌هایی شد تا بالاخره در ۱۳۴۱ق طبق فرمان مظفرالدین شاه، محمد تقی بهار پسر صبوری به این لقب مفتخر گردید (میرانصاری، ۳۰؛ بینش، ۱۱۲؛ عابدی، ۳۱). این امر موجب رنجش امیرالشعراء سرایی گردید که خود طالب این لقب بود و به همین سبب سید حسن نایب‌التولیه را که از بهار حمایت می‌کرد، هجا گفت (مجتهدزاده، ۲۶). پس از آن که ملک‌الشعراء بهار از خراسان رفت، عنوان امیرالشعرا به محمد حسین میرزای نادری تعلق یافت (گلشن آزادی، ۵۵۸) و در این خصوص نیز بین نادری و سرایی معارضات و مهاجاتی بوده است (گلشن آزادی، ۵۵۷؛ محمداسحاق، ۴۸۷/۱؛ حاج سید جوادی، ۳۰۷). پس از وفات نادری به سال ۱۳۲۳ش، سمت و لقب مذکور به دکتر قاسم رسا رسید (گلشن آزادی، ۵۵۷؛ خلخالی، ۱۱۶) و پس از درگذشت وی به سال ۱۳۵۶ش، دیگر کسی برای ملک‌الشعرا آستان قدس رضوی انتخاب نگردید (گلشن آزادی، ۲۶۴).

منابع: آرين پور، يحيى، از صبا تا نيماء، زوار، تهران، ۱۳۷۵ش؛ اعتضادپور، على، «ايوان طلا»، نشریه فرهنگ خراسان، دوره پنجم، شم ۱-۲، ۱۳۴۲ش؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس، به كوشش تيمور برهان ليمودهى، فرهنگ سرا، تهران، ۱۳۶۲ش؛ همو، مرآت البلدان، به كوشش عبدالحسين نوايى و ميرهاشم محدث، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷ش؛ افضل الملک، غلامحسين، سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت الله روشنى زعفرانلو، طوس، تهران؛ امام، سيدمحمدکاظم، مشهد طوس، کتابخانه ملي ملک، تهران، ۱۳۴۸ش؛ انورى، حسن، اصطلاحات ديوانى دوره غزنوى و سلجوقى، بانک ملي ايران، ۱۳۴۸ش؛ بينش، تقى، «مينا ملك الشعراى آستان قدس» نامه آستان قدس، دوره هفتم، شم ۴، ۱۳۴۰ش؛ حاج سيدجوادى، كمال، اثر آفرينان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگى، تهران، ۱۳۷۷ش؛ حكيم الممالك، علينقى، روزنامه سفر خراسان، فرهنگ ايران زمين، تهران، ۱۳۵۶ش؛ خلخالى، سيد عبدالحميد، تذکره شعراى معاصر ايران، طهورى، تهران، ۱۳۷۷ش؛ دهخدا، على اكبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معين، سيد جعفر شهيدى، دانشگاه تهران، تهران؛ سجادى، ضياء الدين، «زيارت هاى شاعرانه»، نامه آستان قدس، دوره هشتم، شم ۴، ۱۳۴۹ش؛ سليمانى، كريم، القاب دوره قاجار، نى، تهران، ۱۳۷۹ش؛ شريعت ترشيزى، جلال، «دعبل»، نامه آستان قدس، دوره نهم، شم ۴، ۱۳۴۲ش؛ عابدى، كاميار، به ياد ميهن: زندگى

و شعر ملك الشعراى بهار، ثالث، تهران، ۱۳۷۶ش؛ عنصرى، ديوان، به كوشش محمد دبىرسيافى، سنابى، تهران، ۱۳۴۲ش؛ فرخ، سيد محمود، «مينا اميرالشعراى آستان قدس»، نامه آستان قدس، شم ۵، ۱۳۴۰ش؛ فياض، على اكبر، چشمه فياض، گردآورى محمد عظيمى، دانشگاه فردوسى مشهد، مشهد، ۱۳۸۳ش؛ گلشن آزادى، على اكبر، صد سال شعر خراسان، به كوشش احمد كمال پور، مركز آفرينش هاى آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۳۷۳ش؛ مجتهدزاده، سيد على رضا، «ملك الشعراء بهار»، نامه آستان قدس، دوره ششم، شم ۴، ۱۳۴۵ش؛ محمد اسحاق، سخنوران نامى ايران در تاريخ معاصر، طلوع، تهران، ۱۳۷۲ش؛ مصاحب، غلامحسين، «ملك الشعراء»، دايرةالمعارف فارسى، كتابهاى جيبى، تهران، ۱۳۷۴ش؛ مهديوى دامغانى، محمود، «حضرت امام على بن موسى الرضا عليه السلام و خاندان نبوت در آثار سنابى»، نامه آستان قدس، دوره جديد، شم ۱، ۱۳۳۹ش؛ مير انصارى، على، اسنادى از مشاهير ادب معاصر ايران، دفتر دوم (ملك الشعراى بهار)، سازمان اسناد ملي ايران، تهران، ۱۳۷۷ش؛ مؤتمن، على، «ابنيه آستان قدس»، نشریه فرهنگ خراسان؛ وحيديان، تقى، «كتيبه هاى آستان قدس، كتيبه هاى ازاره گنبد حاتم خانى» نامه آستان قدس، شم ۲، ۱۳۴۱ش؛ ولايى، مهدى، «شرح قصيده رضوى»، نامه آستان قدس، شم ۱۳، ۱۳۴۱ش. / رضا نقدى /